

سیری بر تذکرة المعاصرین یا تذکرة حزین

سید محمد جواد عسکری*

تذکرة المعاصرین یا تذکرة حزین شرح احوال شاعران و علمای شیعی ایران است که محمد علی حزین لاهیجی در اواخر ۱۱۶۵ هجری قمری، به هنگام اقامتش در هندوستان به رشته تحریر آورده است. تذکرة الاحوال و تذکرة المعاصرین از تذکرة‌های بسیار گرانبهای ادب فارسی هستند.

حزین این تذکرة را برای زنده نگه داشتن دوستان و شاعران معاصر خود و همچنین بنا بر دشمنی اینکه بین او و خان آرزو پیش آمده بود در مدت نه روز تألیف نمود. همان‌طور که خود او در مقدمه ذکر کرده است:

”احیای نام و اثبات کلام ابدای مقام هریک نموده باشد و هم به‌حلاوت نام آن شکرشکنان کام تلخ را شربتی چشانند“^۱.

هدف حزین از نگارش تذکرة معاصرین، انتقاد از شاعران روزگار خویش بود که بی‌هیچ مایه‌ای به این کار دست می‌زده‌اند و می‌گویند:

”اینان به‌علت ناآگاهی از موقعیت و منزلت شعر به این پیشینه از هر چیز دلیرتر و خیره‌ترند“^۲.

ادیبان هند و ایران حزین را بیشتر به شاعری می‌شناسند و با او مأنوس‌اند اما او اندیشمندی صاحب نظر است که با وجود تألیفات بسیار در زمینه‌های گوناگون چون

* دانشجوی پیش‌دکتری فارسی دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی‌نو.

۱. حزین لاهیجی، علی: تذکرة المعاصرین، تصحیح م. سالک، ص ۸۹.

۲. همان، ص ۹۲.

فلسفه، فقه، حدیث، کلام، منطق، رجال، تاریخ‌نگاری و تذکره‌نویسی همچنان در فراموشی به‌سر می‌برد.

دربارهٔ حزین

محمد علی معروف به «حزین لاهیجی اصفهانی» فرزند ابوطالب در روز دوشنبه بیست و هفتم ماه ربیع‌الآخر ۱۱۰۳ هجری در اصفهان چشم گشود. در چهار سالگی نزد پدر تحصیل علم را آغاز نمود. اولین استاد وی مولانا شاه محمد شیرازی بود. سپس نزد علما و استادان مشهور آن زمان چون شیخ خلیل الله طالقانی، شیخ بهاء‌الدین گیلانی، آقا هادی، میرزا کمال‌الدین حسین فسوی، حاجی محمد طاهر اصفهانی، شیخ عنایت الله گیلانی، امیر سید حسن طالقانی، میرزا محمد طاهر، لطف الله شیرازی، محمد باقر صوفی، محمد صادق اردستانی، میرزا قوام‌الدین محمد سیفی، محمد مسیح بن اسماعیل، شیخ ابراهیم زاهدی، کمال‌الدین حسینی فسائی کسب علم نمود.

زندگی حزین فراز و نشیب بسیاری دارد که باعث پریشانی خاطر وی نیز شده است. حزین همیشه در سفر است. او اندیشمندی است تیزبین. مشاهدات خود را با دقت تمام ثبت می‌کند و به‌این ترتیب، یکی از دوره‌های تاریک تاریخ ایران یعنی اواخر دورهٔ صفویّه را برای آیندگان ترسیم می‌نماید.

وی سفر خود را در سن ده سالگی همراه با پدر آغاز و در شهرهای ایران سفر می‌کند و پس از مدتی به شیراز می‌رود و به‌عزالت و گوشه‌نشینی می‌پردازد. اما بازی روزگار و روحیهٔ ناآرام، وی را بار دیگر وادار به سفر می‌کند. هیچ‌کجا آرام نمی‌گیرد و همان‌طور که خود او می‌گوید:

آنم که به‌ملک نیستی سلطانم با سامانم اگر چه بی‌سامانم
ماننده آسیا در این ملک خراب سرگردانم که از چه سرگردانم

به‌یزد می‌رود ولی چندی بعد به اصفهان برمی‌گردد. پدر و مادر او می‌خواهند که او ازدواج کند ولی به‌علت اینکه ازدواج را مانع تحصیل علم می‌دانست بشدت مخالفت کرد و تا آخر عمر مجرد باقی ماند. در سال ۱۱۲۷ هجری پدر و دو سال بعد مادر خود را از دست داد.

حزین برای تسکین روان پریشان خود بار دیگر بار سفر می‌بندد و راهی شیراز می‌شود. اما آنجا متوجه می‌شود که همه یاران قدیمی زندگی را بدرود گفته‌اند. رنجیده خاطر می‌شود و به اصفهان برمی‌گردد و این زمان مصادف است با محاصره اصفهان.

نگارش اطلاعات دقیق و دست اول درباره هر یک از عالمان و شاعران، ضبط دقیق سال تولد و مرگ، اشاره به چگونگی وضعیت شغلی آنان، کاربرد اصطلاحات اداری، اجتماعی و ادبی خاص آن دوره، از جمله ویژگی‌های این تذکره است.

مردم بر اثر این حادثه با تنگدستی و مشکلات فراوان دست و پنجه نرم می‌کنند. حزین هم دستخوش این مشکلات می‌شود. ناچار به خوانسار و از آنجا به خرم‌آباد می‌رود. اما حمله عثمانی‌ها به آنجا سبب کشت و کشتار فجیعی می‌شود که به قول حزین

”حساب کشته شدگان را علام‌الغیوب داند.“ وی ماندن در آنجا را صلاح نمی‌داند عازم همدان می‌شود تا از احوال نزدیکان خود، که اکثرشان در حمله عثمانی کشته شده بودند، آگاه شود و بتواند به اوضاع زندانیان رسیدگی کند. ناگفته نماند حزین در این جنگ ذکاوت و رشادت بسیاری نشان داد و توانست چهار ماه از حریم شهر دفاع کند. از آنجا به‌نهادند، شوشتر و دیگر شهرهای خوزستان سفر می‌کند تا اینکه وارد بصره می‌شود. در آنجا جمعی را می‌بیند که به سفر حج می‌روند. در او نیز شوق دیدار خانه خدا بیدار می‌شود ولی به محض نشستن در کشتی مریض می‌شود و بعد از چهل روز به بندر موخا واقع در سواحل یمن می‌رسد و در شهر تعض به‌استراحت می‌پردازد. موسم حج می‌گذرد و ناچار با دلی شکسته به بصره باز می‌گردد.

مدتی در شهرهای مختلف ایران سفر می‌کند تا شاید بتواند جایی با خیالی آسوده ساکن شود. اما اوضاع ایران به شدت متشوش شده بود. از یک طرف، تعرض عثمانی‌ها و از طرف دیگر، حمله اشرف افغان و از سوی دیگر، قدرت طلبی نادرخان و بی‌لیاقتی شاهان صفوی اوضاع ایران را دگرگون کرده بود. در سال ۱۱۴۵ هـ موقوف به سفر حج می‌شود. در بازگشت هر چه می‌بیند خرابی است و ویرانی.

”همه جا را خراب دیدم، ظلم و تعدی از حد در گذشته بود هرکسی به حال خود در مانده، دادرسی در میان نه.“

از اوضاع ایران بسیار آشفته خاطر می‌شود و تصمیم به ترک ایران می‌گیرد و در رمضان ۱۱۴۶ هجری با کشتی‌ای عازم سواحل سند می‌شود. در سفر تجاری که وی را در فارس دیده بودند او را می‌شناسند و همین مسئله باعث رنجش خاطر وی در ابتدای ورودش به هند می‌شود. وارد تته می‌شود و از آنجا به خدا آباد، بهکّر و سپس به مولتان می‌رود. به سبب شیوع بیماری و با در آنجا، به لاهور می‌رود. سرانجام عازم دهلی می‌شود. یک سال با اندوه در این شهر می‌ماند و تصمیم می‌گیرد از راه کابل به قندهار رود و برای همیشه در خراسان گوشه‌نشینی اختیار کند. ولی سرنوشت خواسته دیگری داشت و نادر شاه به قندهار حمله می‌کند و ناچار به دهلی باز می‌گردد و تا سال ۱۱۵۴ هـ در این شهر اقامت می‌کند. پس از مشاجره و هجوسرایی تند وی با مردم دهلی، این شهر را ترک می‌کند و وارد اکبرآباد می‌شود ولی چندی بعد به بنارس و از آنجا به عظیم‌آباد می‌رود. ولی دوباره به بنارس باز می‌گردد و سرانجام، پس از یک عمر پریشانی در شب ۱۱ جمادی‌الاول ۱۱۸۰ هجری جهان فانی را وداع می‌گوید و در باغ فاطمیان شهر بنارس به خاک سپرده می‌شود.

حزین با تمام هجوسرایی‌هایش دربارهٔ مردم هند، مورد احترام شیعیان و علم دوستان هند است و بعد از مرگش مقبرهٔ وی در بنارس زیارتگاه خاص و عام شده است. خود حزین نیز به این شهر دل بسته بود به قول خود او:

از بنارس نروم معبد عام است اینجا هر برهمن پسر لچهمن و رام است اینجا
حزین به همهٔ علوم معمول زمان خویش اعم از فلسفه، منطق، حدیث، اصول و فقه، کلام، علم رجال و نگارش تاریخ مهارت داشت و در مراحل مختلف زندگی به تدریس این علوم نیز پرداخت. وی با همهٔ علما و فضیلاي معاصر خویش معاشرت می‌ورزید و با آنان به بحث و جدل می‌پرداخت. حزین تألیفات زیادی دارد و بیش از دویست اثر مکتوب در نظم و نثر از وی برجای مانده است.

تذکره المعاصرین یا تذکره حزین

تذکره‌ای است در شرح احوال شاعران و علمای شیعی ایرانی همعصر حزین لاهیجی. این تذکره یکصد تن از عالمان و شاعران معاصر مؤلف را از سال ۱۱۰۳ تا ۱۱۶۵ هـ

شامل می‌شود. حزین این تذکره را در اواخر ۱۱۶۵ هـ در هنگام اقامتش در هندوستان و ظرف نه روز تألیف کرده است. این کتاب با مقدمه‌ای انتقادی شروع شده است. او معترف است که در این دوره، هیچ شاعری را در معنای حقیقی آن، شاعر نیافته است، به‌همین خاطر، به‌ذکر نام شاعرانی می‌پردازد که شعرشان تا حدی مورد قبول قرار گرفته است. مؤلف در مقدمه ضمن نقد تذکره‌های معاصران خود، آنها را مملو از تحریفات و اشتباهات فاحش می‌داند و ضعف آنها را عدم دقت در ذکر احوال و بی‌احتیاطی در نسبت دادن اشعار به شاعران ذکر می‌کند.

در انتقاد از تذکره‌نویسان آن دوره می‌گوید:

”آنجا که نباید و نشاید صفحه صفحه ستایش و القاب و نعوت نگارند و جایی که بایسته و شایسته است به تحقیر نام و تنزیل مقام آرند. خطابات افاضل و اشراف به‌کار جمریان و عوانان کنند و القاب اینان به اشراف و اعلام اطلاق نمایند. هر چه را از جایی و نویسنده چون قدرت بر تصحیح نیست هر تحریف و تصحیف و هر سقط و غلط که در نسخ افتاده باشد همه را به‌کار برند و صواب شمارند مصرع:

خود غلط، معنی غلط، مضمون غلط، انشاء غلط“^۱

تذکره حزین، علاوه بر مقدمه، دو بخش دارد: بخش اول یا فرقه اول شامل شرح حال و نمونه آثار بیست تن از علمای معاصر اوست که با نام صدرالدین سید علی خان بن سید نظام‌الدین احمد الحسینی آغاز می‌شود و به صدرالدین الجیلانی خاتمه می‌یابد؛ بخش دوم یا فرقه دوم، شامل شرح زندگانی و نمونه اشعار هشتاد و یک تن از شعرای معاصر نویسنده است که با نام میرزا محمد طاهر وحید قزوینی آغاز می‌شود و به نام میرزا محمد شیرازی خاتمه می‌یابد. حزین بصراحت بیان کرده است که همه این اشخاص در تذکره شیعه اثناعشری هستند. این تذکره در مقایسه با تذکره‌های هم‌عصر حزین ویژگی‌های ممتازی دارد. شاعرانی را که معرفی کرده است یا در خانه پدری ملاقات کرده یا با ایشان دوستی و مراوده داشته است یا استاد او بوده‌اند. تذکره او از

۱. تذکره معاصرین، علی حزین لاهیجی، تصحیح م. سالک، ص ۹۲.

این حیث اطلاعات دقیق و قابل اعتمادی دارد که شاید در تذکره‌های مشابه و معاصر نتوان یافت. نگارش اطلاعات دقیق و دست اول درباره هر یک از عالمان و شاعران، ضبط دقیق سال تولد و مرگ، اشاره به چگونگی وضعیت شغلی آنان، کاربرد اصطلاحات اداری، اجتماعی و ادبی خاص آن دوره، از جمله ویژگی‌های این تذکره است.

از مزایای دیگر تذکره حزین، ارزش تاریخی آن است، مؤلف ضمن معرفی شاعران، گاه به حوادث و وقایع اجتماعی و سیاسی عصر اشاره کرده و وضع حکومت و حاکمان را باز گفته است.

حزین که خود شاعر و دارای ذوق و نکته‌سنجی شاعرانه بوده، درباره شاعران و معاصرانش اظهارنظرهایی کرده است که ذوق انتقادی او را نشان می‌دهد. وی گاه در اشعار آنها تصرفاتی نیز کرده است. او هنگام معرفی شاعران، با صراحت به نقد شعر هر یک می‌پردازد و از این حیث به این کتاب اعتباری

ویژه می‌بخشد. اگر به نقدی که حزین درباره شعر هر یک از این افراد کرده است دقت کنیم متوجه خواهیم شد که عباراتی را که به کار می‌برد همه شبیه به یکدیگر و در موارد بسیاری برای پرکردن سطور به این نوع نقد پرداخته است. او آنان را شاعرانی متوسط می‌شمارد و همه را تقریباً یکسان می‌ستاید:

میرزا محمد شیرازی: طبع موزون داشت؛ محمد مؤمن صاحب مشهدی طبعش موزون و دریافت دقایق لفظی و معنوی نمود؛ نورالدین محمد کرمانی: به سخن مانوس و ابیات شایسته از طبعش سر می‌زد؛ میرزا محمد جعفر راهب: سلیقه‌اش در شعر درست است؛ ملا رضا اصفهانی: شعرش در کمال ملاحظت و استواری؛ میر رضی فاتح گیلانی: خالی از کیفیتی و حالتی معنوی نبود.

تعداد اندکی را نیز برتر از دیگران می‌داند و با دقت بیشتر به شعرشان می‌پردازد. مانند میرزا طاهر وحید قزوینی:

”انصاف آن است که در زمن دولت صفویه من جمیع الوجوه، به استعداد و کمالات او کسی پای به مهمام دنیوی نگذاشته و به ملازمت ملوک سر فرو نیاورده، اگر مذلت چاکری و لوث دنیاداری تشریف لیاقت و کمال او را شوخگن و

آلوده نمی‌ساخت، هر آینه در سلک افاضل نامدار و در ذیل آن والاگهران عالی‌مقدار در شمار آمدی^۱.

و اما درباره میر عبدالغنی تفرشی:

”از نوادر روزگار بود فقیر به شعر فهمی و سخن شناسی او کسی ندیده‌ام“^۲.

یا مخلصای کاشانی را به علت بی‌دانشی نکوهش کرده است و می‌گوید:

”سلیقه‌اش را در شعر قصوری نبود، لیکن چون از سرمایه دانشوری عاری است

و صنعت ابهام را به‌جد گرفته، گاهی بلکه اکثر سخنش با وجود تناسب الفاظ

سبک و خام می‌افتد“^۳.

از مزایای دیگر تذکره حزین، ارزش تاریخی آن است، مؤلف ضمن معرفی شاعران، گاه به حوادث و وقایع اجتماعی و سیاسی عصر اشاره کرده و وضع حکومت و حاکمان را باز گفته است. همچنین در شرحی که او از حال و روز شاعران هر شهر می‌دهد، وضع فرهنگی و علمی آن شهر مشخص می‌شود؛ مثلاً شرح حال محمد علی سکاکی شیرازی و ملّا علی اصفهانی که در ضمن معرفی اولی به استیلائی افغانان بر شیراز و در معرفی دومی به حادثه قتل عام شهر همدان اشاره شده است.

تذکره حزین در شرح حال شاعران به‌چگونگی معیشت آنان و نیز هنرهای دیگری جز شعر، که شاعر بدان آراسته بوده، اشاره کرده است و از این حیث، منبع مناسبی برای مطالعه وضع اجتماعی و معیشتی شاعران عصر صفویه است.

حزین به‌جنبه‌های مختلف زندگی هنری این افراد توجه داشته است. مثلاً درباره ملّا

علی اصفهانی می‌گوید:

”حسن صوت و مهارتش در موسیقی به‌مقامی کشید که نغمه سنجان روزگار و

پرده سرایان هر گوشه و کنار را بلندی آوازه در گلو شکست“^۴.

۱. تذکره معاصرین، علی حزین لاهیجی، تصحیح م. سالک، ص ۱۴۱.

۲. همان، ص ۱۸۷.

۳. همان، ص ۱۷۴.

۴. همان، ص ۲۱۶.

با وجود محاسنی که این تذکره داراست معایبی نیز دارد. عمده‌ترین عیب این تذکره، اتکای مؤلف آن بر حافظه، و دسترسی نداشتن به منابع و اسناد معتبر است. وی این تذکره را در مدت نه روز و آن هم در نهایت پریشان حالی و بی‌حواسی جمع‌آوری کرده است. او برای ذکر نمونه آثار و شرح احوال علما و شاعران، صرفاً از حافظه خود بهره جسته و به همین خاطر بسیاری از مطالب را از قلم انداخته است.

نثر تذکره حزین نسبت به تذکره‌های معاصرش از پختگی و ایجاز برخوردار است. شیوه نگارش فرقه اول (شرح حال علما) با فرقه دوم (شرح حال شاعران) متفاوت است. آنجا که به شرح حال علما می‌پردازد از نثر مصنوع، متکلفانه و منشیانه رایج آن دوران استفاده کرده است. کاربرد کلمات عربی در این قسمت بسیار زیاد است. دعاهایش بیشتر عربی است. ولی در فرقه دوم، شاعران را با عبارات ساده‌تری وصف و از عبارات ادیبانه، که خاص شعر است، استفاده می‌کند.

این تذکره نسخه‌های خطی فراوانی دارد که اغلب آنها در کتابخانه‌های هند و پاکستان نگهداری می‌شوند. تذکره حزین یک‌بار به‌ضمیمه کلیات وی در لکهنو در سال ۱۲۹۳ هـ و بار دوم در کانپور به سال ۱۳۱۱ هـ با چاپ سنگی منتشر شده است. در ایران اولین بار این تذکره با مقدمه محمد باقر الفت در سال ۱۳۳۴ ش در اصفهان به چاپ رسید. آخرین چاپ منقح و مصحح تذکره به همراه تعلیقات و فهرست‌ها به کوشش معصومه سالک و به مناسبت کنگره حزین لاهیجی در سال ۱۳۷۵ ش صورت گرفته است.

منابع و مأخذ

۱. خیرالدین زرکلی: الاعلام، ج ۶، چاپ دارالعلم، بیروت.
۲. حسن امین: اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۶، چاپ دارالتعارف، بیروت.
۳. تاریخ حزین، انتشارات کتابفروشی تائید، اصفهان، ۱۳۳۲ ش.
۴. حزین لاهیجی، محمد علی: تاریخ و سفرنامه حزین، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵ ش، تهران.
۵. نوگانوی، سید محمد حسن: تذکره بی‌بها، چاپ جید برقی، دهلی.

۶. حزین لاهیجی، محمد علی: تذکرة المعاصرین، انتشارات سایه، ۱۳۷۵ ش.
۷. دایرة المعارف اسلامیة (اردو)، دانشگاه پنجاب لاهور، ۱۳۹۳ ش/۱۹۷۳ م.
۸. دایرة المعارف تشیع، ج ۶، نشر شهید سعید محبی، تهران، ۱۳۷۶ ش.
۹. حزین لاهیجی: رسائل حزین لاهیجی، میراث مکتوب، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۰. شفیع کدکنی، محمد رضا: شاعری در هجوم منتقدان: نقد ادبی در سبک هندی پیرامون شعر حزین لاهیجی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. شمیم اختر: شیخ محمد علی حزین، چاپ ناردن آفیست، لکهنو، ۲۰۰۳ م.
۱۲. فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، آذر تفضلی - مهین فضایی جوان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲ ش.
۱۳. مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت علامه ذوفنون محمد علی حزین لاهیجی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. بهبهانی، آقا احمد: مرآت الاحوال جهان نما، چاپ سهند، ۱۳۷۲ ش.
۱۵. صدرالافاضل، مرتضی حسین: مطلع انوار، خراسان اسلامی رسرچ سنتر، کراچی، ۱۹۸۱ م.
۱۶. مهدی، میرزا محمد: نجوم السماء، انتشارات مکتبه بصیرتی.
۱۷. حسنی، عبدالحی: نزهة الخواطر، ج ۶، ص ۳۳۳، دایرة المعارف عثمانیه حیدرآباد (هند) ۱۳۹۸ هـ/۱۹۷۸ م.